



## The Study and Analysis of Updated Documents on Water Rental Costs in Sultani Mosque in Semnan

Fataneh Rahimi<sup>1</sup>, Soroush Hashemi<sup>2</sup>, Mojtaba Ebrahimian<sup>3</sup>

1- Ph.D. student in Archaeology, Islamic orientation. Islamic Azad University, Tehran-Central branch. Tehran, Iran.

2- Supervisor of Semnan historical texture base, Semnan, Iran

3- Expert of the General Department of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Semnan Province, Semnan, Iran.

Received 2022/06/22 | Accepted 2022/09/21

### Abstract

The issue of water distribution in Semnan, based on some local sources and historical documents, indicates that all agricultural lands and gardens of the city had access to an orderly and well-defined system, based on a fair framework. According to geographers and historians, the irrigation system of Semnan city has been the pool irrigation system and turn taking in the water right since the 4th century of Hegira. However, from the second half of the 7th century onwards, methods were contrived for distributing water in Semnan, which are attributed to a Semnani scholar named "Sheikh Alaa al-Dawlah Semnani" (657-736 AH). During the Qajar period, water distribution continued according to the documents of the Timurid and Safavid periods. During this period, water in Semnan was a cultural issue, and based on daily human activities, it was sometimes considered as a wage. As a result, the people who were considered proprietary water owners could use water for various purposes such as buying and selling and irrigation of their crops. In the present article, the documents belonging to the Qajar period related to the religious documents of the people of Semnan are studied. In that era, in Semnan, water was considered a precious element in people's social relations so it was regarded as a wage, reward, or women's dowry in this region. Yet, this was done by using precise methods of water supply and water distribution which indicates the high cultural and vital value of water. Examining these documents shows that "water", as a valuable and rare commodity, had a value equivalent to the currency of its time and could be exchanged as a wage for religious practices, marriage, good deeds, etc.

**Keywords:** Water, Wage, Semnan, Documents, Receipts, Lease contract, Seyyed Ali Akbar.

Copyright © 2020-2021 Cultural Heritage Records Studies. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Rahimi, Fataneh, Hashemi, Soroush, Ebrahimian, Mojtaba. (2022). The Study and Analysis of Updated Documents on Water Rental Costs in Sultani Mosque in Semnan. *Cultural Heritage Records Studies*, 4(2), 34-57.

**Corresponding Author:** Fataneh Rahimi, Ph.D. student in Archaeology, Islamic orientation. Islamic Azad University, Tehran-Central branch. Tehran, Iran.. **Email:** parisarahimi.a@gmail.com



## بررسی و تحلیل اسناد نویافته از مصارف اجاره بهای آب در مسجد سلطانی شهر سمنان

فتانه رحیمی<sup>۱</sup>، سروش هاشمی<sup>۲</sup>، مجتبی ابراهیمیان<sup>۳</sup>

- ۱- دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گرایش اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران - مرکز، تهران. ایران
- ۲- سرپرست پایگاه بافت تاریخی سمنان، سمنان. ایران.
- ۳- کارشناس اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، استان سمنان، سمنان. ایران.

دریافت: ۱۴۰۱/۴/۱ | پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۳۰

### چکیده

تقسیم آب در سمنان، بر اساس برخی منابع محلی و اسناد تاریخی، از وجود سامانه‌ای منظم و باهویت حکایت دارد که بر اساس چهارچوبی عادلانه، تمامی اراضی کشاورزی و باغات شهر به آن دسترسی داشته‌اند. نظام آبیاری شهر سمنان، به شیوه استخری و نوبتی از حق‌آبه‌ها، به روایت جغرافی‌نویسان و مورخین از قرن چهارم هجری متداول بوده است؛ اما از نیمه دوم قرن هفتم به بعد، حساب و کتاب‌هایی برای پخش آب در سمنان ایجاد شد که به عالمی سمنانی با نام «شیخ علاءالدوله سمنانی» (۷۵۶-۶۳۷ هجری قمری) نسبت داده شده است. در زمان قاجار نیز تقسیم آب بر اساس مدارک و اسناد دوره‌های تیموری و صفوی همچنان ادامه داشته است. در این دوران، آب در سمنان چهره‌های فرهنگی‌تر داشته و بر اساس فعالیت‌های روزمره انسانی، گاه به عنوان دستمزد نیز محسوب می‌شده است. در نتیجه، اشخاصی که به عنوان صاحبان آب ملکی به شمار می‌رفتند، می‌توانستند آب را به مصارف مختلفی چون خرید و فروش و شرب مزروعات خود برسانند. آنچه در این پژوهش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، اسناد متعلق به دوره قاجار است که مرتبط با اسناد شرعی مردم سمنان بوده که آب به مثابه عنصری گرانقدر و با ارزش در مناسبات اجتماعی به عنوان دستمزد، پاداش یا مهریه بانوان این خطه محسوب می‌شده است. این موضوع، در عین حال، با بهره‌گیری از شاخص‌ها و شیوه آبرسانی و تقسیم‌بندی دقیقی بوده که بیانگر ارزش بالای فرهنگی و حیاتی آب است. بررسی این اسناد نشان‌دهنده این موضوع است که «آب»، به عنوان کالایی ارزشمند و نادر، دارای ارزشی معادل پول رایج زمان خویش بوده و به عنوان حق‌الزحمه اعمال مذهبی، ازدواج، اعمال نیک و انسانی و... قابل تبادل بوده است.

**واژه‌های کلیدی:** آب، حق‌الزحمه، سمنان، اسه، اسناد، قبض‌الواصل، اجاره‌نامه، سیدعلی‌اکبر.

کپی‌رایت © دو فصلنامه مطالعات اسناد میراث فرهنگی: دسترسی آزاد؛ کپی برداری، توزیع و نشر با ذکر منبع آزاد است.

رحیمی، فتانه، هاشمی، سروش، ابراهیمیان، مجتبی (۱۴۰۱). بررسی و تحلیل اسناد نویافته از مصارف اجاره بهای آب در مسجد سلطانی شهر سمنان. *مطالعات اسناد میراث فرهنگی*، ۴ (۲)، ۳۴-۵۷.



## بیان مسئله

شیوه سنتی تقسیم آب در شهر تاریخی سمنان، یکی از روش‌های منحصربه‌فرد در نوع خود و نظام مردم نهاد حاکم بر آن، در این شهر دایر و مورد عمل در بخش کشاورزی شهری است. در گذشته، با بهره‌گیری از روش و نظام یاد شده، کلیه نیازهای آبی در شهر تأمین می‌شد، اما امروزه، کشاورزان تنها کاربران آن هستند. در شهر سمنان، مالکیت آب و زمین زراعی، از یکدیگر جدا و هر یک سند مربوط به خود را داشته است.

برگردان تصویری کالبد شبکه نظام‌مند تقسیم آب بر روی نقشه شهری، حکایت از تأثیر ساختاری لایه هویتی متمایز در شهر تاریخی سمنان دارد که با تعمق در محتوای آن می‌توان به مبانی پیدایش، شکل‌گیری و توسعه شهر دست یافت. همچنین اثرات چند جانبه حضور این لایه زاینده در فرآیند توسعه شهر، به طور مستمر و قانون‌مند، با تعامل بافت انسانی و طبیعی در هم تنیده بوده که محصول آن، منظر شهری یکپارچه شده با طبیعت است و می‌تواند شاخصی نمایان بر وجود منظر فرهنگی در شهر تاریخی سمنان به‌شمار آید.

در دوران‌های مختلف، آب مهمترین رکن حیات و زندگی است؛ آب‌های زیرزمینی چون چشمه و قنات‌ها در شهرهای کویری، به وسیله بناهای آبی مانند آب‌انبار و استخر و ... در دسترس مردم قرار می‌گرفته است. اهمیت آبیاری و آب از یک سو و احداث همین امکانات و تأسیسات و نیز اداره آنها از سوی دیگر، موجب ایجاد اقتدار و قدرت اجتماعی فوق‌العاده‌ای در بین مسئولین و متولیان می‌شد. به طوری که این افراد، گاه در مسائل مهم سیاسی - حکومتی نیز تصمیماتی را اخذ می‌کردند (پاپلی یزدی و لباف خانیکی، ۱۳۷۷: ۴۷).

شهر سمنان، از جمله شهرهای حاشیه کویر ایران است. کمبود منابع آب زراعی از گذشته تاکنون، موجب شده که از قرن‌ها پیش تا به امروز، نظام آبیاری مدون و دقیقی بر چگونگی تقسیم آب در این شهر حاکم گردد و

مالکین بر اساس آن در هر گردش، حقایق خود را دریافت نمایند. آنچه در این مقاله به آن پرداخته‌ایم، سیستم آبیاری سنتی شهر سمنان و اسنادی است که میان متولی وقت مسجد سلطانی و افرادی که در قسمت‌های مختلف مسجد مشغول به فعالیت بوده‌اند، در خصوص پرداخت حق‌الزحمه آنان، به صورت استفاده از آب اختصاصی مسجد سلطانی، منعقد گردیده است.

یکی از روش‌های پخش آب که در سرزمین سمنان رایج بوده، «پارا» یا «آب پخش‌کن» بود. پارا، تکنیکی زاینده شرایط محیطی و اقلیمی و شیوه هوشمند از طرف مردم سمنان بود که به نوبه خود منشاء نظامی قانونمند است. این روش که مورخین دوران اسلامی از آن نام برده‌اند، پدیده‌ای زنده است که هنوز در این شهر کویری کاربرد دارد. در این منطقه، آب رود پیش از ورود به شهر، توسط یک نظام فنی و سنتی، در محل آب پخش‌کن یا پارا به شش قسمت مختلف تقسیم و سپس توسط شش نهر اصلی به شش استخر محلات اصلی شهر، که در حقیقت منابع آبی زمین‌های کشاورزی، مزارع و بناهای آبی در مناطق مختلف بوده، هدایت می‌شده است.

## اهداف پژوهش

در این پژوهش سعی شده با بررسی نظام آبرسانی قانون‌مند شهر سمنان، به چهره اجتماعی این مسئله پرداخته و با بررسی و خوانش اسناد تاریخی نویافته در زمان قاجار، تأثیرات فرهنگی این مایه ارزشمند حیات را در جامعه آن زمان، تحلیل نموده و تأثیر چهره فرهنگی آب در نگارش نمونه اسناد را مشاهده نماییم.

در این راستا، به پرسش‌های زیر پاسخ داده می‌شود:

نظام تقسیم آب شهر سمنان چه تأثیری در زندگی فرهنگی مردم سمنان داشته است؟

چگونه سهم آب ملکیتی افراد به عنوان تشویق اعمال

یا دستمزد فعالیت افراد اعمال می‌شده است؟



## ارائه یافته‌ها

یافته‌های مورد استفاده در این تحقیق، بر اساس اسناد تاریخی نویافته از اواسط دوران قاجار است. خوانش اسناد تقسیم آب سمنان نشان می‌دهد که صاحبان آب ملکی از قدرت بالایی برخوردار بوده‌اند و در اقلیم گرم و خشک سمنان آب را به عنوان پاداش یا دستمزد به افراد یا واعظان و رجال مذهبی پرداخت می‌کردند. در این دوران، از خط سیاق در امور دیوانی استفاده می‌شد.

## پیشینه

چندین کتاب و مقاله درباره چگونگی تقسیم آب در سمنان و سیستم پارا چاپ گردیده است. در کتاب شیوه سنتی تقسیم آب در سمنان نوشته محمد احمدپناهی، به تفصیل درباره شیوه تقسیم آب و اشخاص مرتبط با آن و همچنین مقیاس و ابزار و شیوه انجام کار پارا سخن گفته شده است. همچنین در پژوهش‌های زیادی از جمله مقاله‌ای تحت عنوان «نظام آبیاری سنتی شهر سمنان»، نوشته حمیدرضا حسنی و فاطمه قلی‌پور کالمرزی یا مقاله‌ای دیگر با عنوان «محصول نظام سنتی تقسیم آب در شهر تاریخی سمنان شاخصی برای وجود منظر فرهنگی در شهر» و ... درباره چگونگی تقسیم و جزئیات مرتبط با آن، سخن گفته شده است. اما نکته‌ای که در این پژوهش مد نظر قرار گرفته، خوانش اسناد دست‌نویس و دست اول درباره فرهنگ تقسیم آب در بین مردم است که ما را با جزئیات بیشتری درباره ارزش آب در سمنان و پیشینه پربار آن در کالبد هویت‌مند بافت درون شهر و فرهنگ رایج در این زمینه، در دوران قاجار، آشنا می‌کند و ابعاد مبهمی در زمینه‌های ناملموس تقسیم آب و تأثیر آن در اجتماع شهری سمنان را نمایان می‌سازد.

## شیوه تقسیم آب در سمنان

اهمیت تقسیم آب در تاریخ ایران به قدری بود که برای

نظم آن، به ایجاد اداره و تأسیساتی برای آبیاری می‌پرداختند. برای مثال، در دوره ساسانی، حکومت دارای دیوانی به نام دیوان آبیاری بوده که بر مالکیت و تقسیم آب نظارت داشته است (انصاف‌پور، ۱۳۵۲: ۳۹۴). در قرن دوم هجری، این دیوان با نام دیوان الماء وظیفه ثبت خروج، وصولی از مالکان آن، اراضی جدید نیازمند آب، تغییر نام مالک و یا کاهش و افزایش خراج آب را بر عهده داشته‌اند و آن را گزارش می‌کردند (پاپلی و خانیک، ۱۳۷۷: ۴۹) (تصویر ۱).

خاطر نشان می‌شود که در شهرهای کویری، شیوه تقسیم آب، خود مسئله‌ای امنیتی و اقتصادی بوده و به ساخت شهرهای اسلامی نیز کمک می‌کرده است. این شیوه نظام آبیاری شهر سمنان، به روش استخری و به نوبت از حقاچه‌ها بهره‌مند شدن، حداقل از قرن دوم و سوم هجری متداول بوده و با توجه به اسناد موجود، شیوه تقسیم آب در این منطقه از روش‌هایی نظیر تقسیم زاینده‌رود که مبتکر آن شیخ بهایی بوده، قدیمی‌تر است. شیوه تقسیم آب به شیوه‌ای که در سمنان وجود دارد، در شهرهای دیگر ایالت قومس وجود نداشته و منحصر به فرد است. اصلاح و تدوین شیوه تقسیم آب در سمنان را به شیخ علاءالدوله سمنانی (۶۵۷-۷۳۶ ه. ق) نسبت می‌دهند (احمدپناهی سمنانی، ۱۳۸۱: ۳۹).

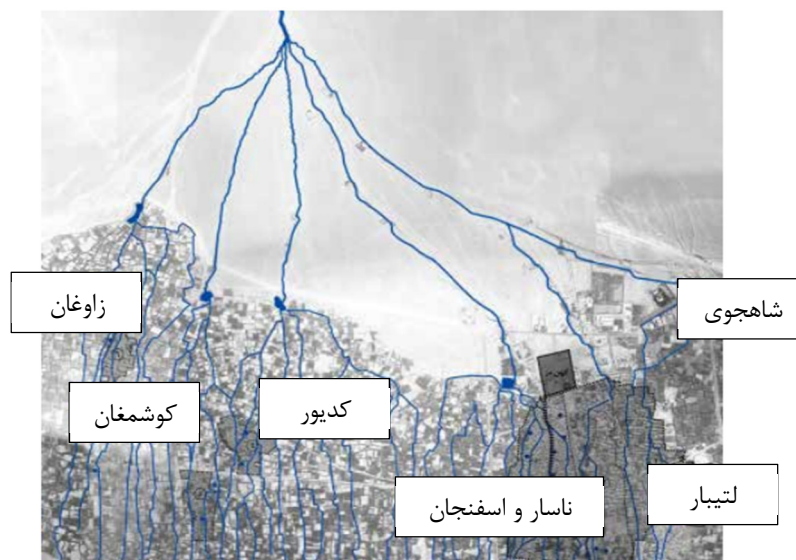
سرچشمه آب سمنان از محلی در ۱۸ کیلومتری شمال این شهر، از زیر کوه‌های جنوبی شهمیرزاد، از محلی به نام سربند گل‌رودبار سرچشمه می‌گیرد و به جانب روستای درجزین و در نهایت به سمت سمنان جریان می‌یابد (احمدپناهی سمنانی، ۱۳۸۱: ۴۷).

جریان آب پس از طی مسیر خود، در محل بند انحرافی درجزین، از مسیر خود خارج شده و در نهری وسیع به سوی شهر جریان می‌یافت تا به آب‌پخش‌کن یا پارا برسد. آب پخش‌کن (پارا)، آب رود را متناسب با نیاز محلات به پنج کانال و شش استخر تقسیم می‌کند.

ممکن است بر سطح آب تراز برج‌ها تأثیر بگذارند، لذا دو کرانه مسیر رودخانه در مسیر پارا با تعدادی بادشکن احاطه شده‌اند (احمدپناهی سمنانی، ۱۳۸۱: ۵۹). تقسیم آب استخرهای شش‌گانه سمنان به عهده برج‌هاست. بستر جوی با دقت زیادی تراز شده تا آب بتواند یکنواخت حرکت کند. شش استخر متعلق و منسوب به محله‌های قدیمی سمنان عبارتند از: شاهجوی، لتیبیار، ناسار و اسفنجان (آب این دو محله، در یک استخر جمع‌آوری می‌شود)، کدیور، کوشمغان و زاوغان. بزرگترین استخر، استخر ناسار است که آب محله ناسار (بزرگترین محله شهر که مرکز شهر، بازار و خدمات عمومی مقیاس شهر را دربردارد) را تأمین می‌کند. آب در کرانه این استخرها هیجان و حرکت زیادی به وجود می‌آورد، زیرا از پای مجرای خروجی این استخرها به صدها پاره کوچکتر تقسیم می‌شود و در جوی‌های متعدد جاری می‌گردد تا باغ‌ها و کشتزارها و منازل را سیراب کند (احمدپناهی سمنانی، ۱۳۸۱: ۶۰) و (جدول شماره ۱).

اسامی آب پخش‌کن‌ها (کانال‌های اصلی آب) متناسب با محله‌ها برگزیده می‌شدند (صفی‌نژاد، ۱۳۵۹: ۱۱۷) (تصویر ۲).

تأسیسات پارا در سطح شیبدار قرار گرفته است، بنابراین، آب رودخانه با فشاری که از این شیب دریافت می‌کند، با جریانی کند وارد اولین حوضچه آب‌پخش‌کن می‌شود. برج‌ها (تیر چوبی قطوری که یکی از سطوح خارجی آن صاف شده و در سرتاسر عرض جوی، در محل تقسیم آب به صورت پله‌ای، در مسیر آب قرار می‌گیرد) در این منطقه پایانی، به صورت پلکانی در عرض رودخانه در سطحی کاملاً مساوی کار گذاشته می‌شوند. فاصله بین هر برج با یکدیگر به صورت حوضچه‌ای در آمده و در نتیجه شش حوضچه تشکیل شده است. هر حوضچه، در سطح بالاتری از حوضچه قبلی قرار گرفته است و نقش فشارشکن را برای حوضچه بعد از خود ایفا می‌کند. در این سیستم، یکنواختی در سطح آب بسیار پراهمیت است. منطقه پارا در سطحی دشت مانند و در معرض بادهای شرقی غربی قرار گرفته است. این بادهای اغلب عمود بر جریان آب می‌وزند و



تصویر ۱. شیوه تقسیم‌بندی آب در شش استخر و محله‌های سمنان، بر مبنای عکس‌های هوایی سال ۱۳۳۵ و مهندسین مشاور باغ‌اندیشه (مآخذ: آل‌هاشمی، ۱۳۹۹: ۹)



تصویر ۲. نحوه معماری و تقسیم‌بندی آب به وسیله پارا در شهر سمنان. (مأخذ: نگارندگان)

جدول ۱. معرفی استخرهای اصلی تقسیم آب سمنان و مقدار سهم هر استخر از مبدا پارا (احمدپناهی سمنانی، ۱۳۸۱: ۶۱)

نام استخر	محل	حقابه بر اساس واحد پایه (پی)	تبدیل واحد بعدی	حجم بر اساس
۱ شاهجوی	جنبدان	۵ پی	اسه	هر پی * ۱۱۵ اسه و هر ۱۴ اسه یک چوب***
۲ لتیبیار		۵ پی	اسه	هر پی ۱۱۵ اسه و هر ۱۴ اسه یک چوب
۳ ناسار و اسفنجان	جنوب	۸ پی	اسه	هر پی ۱۱۵ اسه و هر ۱۲ اسه یک چوب
۴ کدیور	محلات ثلاثه	۵ پی	چوب	هر پی ۲۲ و یک چهارم چوب
۵ کوشمغان		۴ پی	چوب	هر پی ۲۲ چوب
۶ زاوغان		۵ پی	دانگه	هر پی ۱۳ و یک دوم دانگه *** و هر دانگه سه اسه
		مجموع ۳۲ پی		

\*\*\*پی: واحد اساسی مبدا در تقسیم آب سمنان است که ۳۲ عدد است. این رقم از حاصل جمع حقابه‌های محلات پنج‌گانه سمنان به دست آمده است. پی در زبان سمنانی به معنی پا است، یعنی ۳۲ کف پا که هر پی معادل ۲۷ سانتی‌متر مکعب که حدود ۸۵۰ اسه است (احمدپناهی سمنانی، ۱۳۸۱: ۵۳).

\*\*\*اسه: واحد فرعی درجه دوم در تقسیم آب استخرها (همان).

\*\*\*چوب: یا چو مقیاس درجه سوم و بعد از اسه که معادل ۱۴ اسه آب محله جنبدان یا ۱۲ آب ناسار (همان).

\*\*\*دانگه: واحد بعد از پی در تقسیم آب استخر (همان).

در برخی منابع این اندازه‌گیری با اندکی تغییر ثبت شده است (همان: ۶۱).

### منظر فرهنگی تقسیم آب در سمنان

زیرساخت آبی منطبق با ویژگی‌های توپوگرافیک زمین و خاک، آب را بر اساس محلات شش‌گانه تقسیم در استخرهایی متناظر و متناسب با مساحت هر محل ذخیره می‌کرد. در واقع از نقطه آغازین، سیستم آبی علاوه بر شرایط خاص جغرافیای منطقه منطبق بر نظام سلسله روابط محلی و بافت فرهنگی شهر شکل گرفته

است.

مالکیت استخرهای موجود آن به سه بخش تقسیم شده است: ۱- مالکیت اشخاص ۲- مالکیت اوقافی ۳- مالکیت دولتی. از گذشته، نام مالکان آب اعم از حقیقی و حقوقی در دفتر قانون میاه ثبت شده و هر گونه نقل و انتقال نیز در آن مشخص بود. نخستین اطلاعات ما از نحوه تقسیم آب سمنان و روزهای تقسیم آن، به

با باورها و مراسم اجتماعی، مذهبی و فرهنگی مردم هر محل و ارتباط میان آنها پیوند خورده است. آب مورد نیاز در مصارف عمومی، مانند آب مورد استفاده در مساجد، تکایا، حسینیه‌ها، حمام‌های عمومی و آب‌انبارهای عمومی محلات، از طریق وقف تأمین می‌شده است. وقف آب برای امور مذهبی، تلاوت قرآن مجید، عزاداری ایام محرم نیز همانند سایر شهرهای ایران، در سمنان نمونه‌های فراوانی دارد. این پیوند میان سیستم و مدیریت توزیع آب در بافت شهری با آیین‌های مذهبی و سنت‌های بومی در تأمین آب‌های وقفی و خیراتی و یا افزوده شدن مدار آب در زمان‌های خاص، نمونه‌های بسیاری دارد. از آن جمله، آب خالصه و آب سحر را می‌توان نام برد که از مجموعه خیرات عام‌المنفعه به شمار می‌رفته و در پیوند با مراسم و اعمال مذهبی و آیینی، در اختیار ساکنین محلات قرار می‌گرفته است.

از اشخاص دخیل در این سیستم همین بس که بسیاری در سمت‌های مختلف، از تقسیم‌کننده تا نویسنده خطاب هر شخص و ...، در امر تقسیم آب به صورت عادلانه و دقیق و به دور از تبعیض صورت پذیرفته است.

از آنجا که این پژوهش در خصوص اسنادی است که بین متولی وقت مسجد سلطانی سمنان، مرحوم سیدعلی‌اکبر حسنی و عوامل خدوم و شاغل در فعالیت‌های روزمره مسجد همچون خادم، مؤذن، خدمه و ... منعقد گردیده و عموماً بهره‌برداری از موقوفات مسجد سلطانی (آب)، جایگزین وجه‌المعامله و مطالبات بوده است؛ در ابتدا به بررسی تاریخچه ساخت مسجد سلطانی سمنان و سپس به خوانش کتیبه وقفنامه مسجد که در سردر شرقی مسجد نصب شده می‌پردازیم؛ سپس سلسله متولیان مسجد سلطانی ذکر می‌شود و بعد به کلیات و جزئیات اسناد خواهیم پرداخت. این اسناد به ترتیب تاریخ کتابت، شامل چهارده سند از قبیل ده قبض‌الواصل، سه اجاره‌نامه و یک ذمه‌نامه است.

وقف‌نامه عمیدالملک سمنانی در سال ۸۹۰ ه.ق برمی‌گردد. او که رقبات پرشماری از املاک و حق‌آبه استخرها را در سمنان و بسطام وقف کرده، حقوق زیادی را برای مصارف خانقاه‌ها، طلاب علوم دینی و حافظان قرآن یا اقامه‌کنندگان نماز و مرشدان و دراویش در راه مانده، اختصاص داده است (احمدپناهی سمنانی، ۱۳۸۱: ۷۷).

پیوند میان ساختارهای ذهنی، فرهنگی و اجتماعی محله‌ها با زیرساخت آبی، در مدیریت این شبکه در هر محله و همچنین در شهر متبلور می‌شد. در سمنان، مدیریت سیستم همگام با نظام محل‌های شهر بوده است. هر استخر دارای یک شورای آبیاری جداگانه است که شامل گروه‌های سهم‌بر از آن محله و کارکنان مخصوص همان استخر است. برای تنظیم و هماهنگ کردن سهم‌بران از تقسیم آب، در هر نوبت آبیاری کلیه این افراد هماهنگ‌کننده در محلی عمومی از قبیل تکیه و یا مسجد محل گرد هم می‌آمدند (صفی‌نژاد، ۱۳۵۹: ۱۰۵). مدیریت، تقسیم و نگهداری مؤلفه‌های شبکه آبی به صورت سلسله‌مراتبی در میان ساکنین محلات، تقسیم و همه سهم‌بران در این امر مشارکت می‌کردند. تمامی افراد محله، طوایف و خانواده‌ها در بحث نگهداری و مدیریت آب و مؤلفه‌های زیرساخت آبی نقش داشتند. این مشارکت عمومی که زمینه فعالیت‌های جمعی در ارتباط با آب را مهیا می‌ساخت، زمینه‌ساز شکل‌گیری و تداوم پیوستگی ذهنی تمامی شهروندان با آب و زیرساخت آبی بود. پیوند عمیق مدیریت سیستم آبی با فرهنگ و مذهب مردم در سمنان، قابل توجه است و نمونه‌های بیشماری دارد (آل‌هاشمی، ۱۳۹۹: ۱۱).

مالکیت آب در سمنان همچون دیگر اشیاء منقول و غیرمنقول خرید و فروش و سند مالکیت آن، همانند خانه و باغ و زمین به صورت ارث منتقل می‌شده و حتی مهریه بسیاری از نوعروسان سمنانی، مالکیت آب بوده است. علاوه بر این، مدیریت تقسیم و توزیع آب به شدت



## تاریخچه مسجد سلطانی

طبق مستندات تاریخی، ذوالفقارخان سمنانی از نزدیکان فتحعلی شاه بود که حکومت سمنان، دامغان، شاهرود و بسطام را بر عهده داشت و این حکومت حاصل دلاوری‌های وی در جنگ هرات بود. وی فردی ظالم و جبار بود که با تکیه بر قدرت خویش به مالاندوزی فراوان از اهالی سمنان دست یازیده و از غارت منازل و اموال مشاهیر وقت همچون یغمای جندقی (منشی وی در سمنان) و یا بریدن زبان میرزا مهدی یاهو، شاعر سمنانی، متخلص به فقیر سمنانی، دریغ نکرده بود. به دلیل همین ستمگری‌ها، برخی از افراد صاحب نام و برجسته شهر سمنان، مانند حاج سیدحسن حسنی سمنانی، به تهران عزیمت نمودند. وی از دانشمندان و بزرگان شهر سمنان در قرن سیزدهم بشمار می‌رفت و نویسنده کتاب معروف *منهاج العارفین* بود که در مورد ادعیه و در هفتاد و پنج باب نگاشته شده است. او که نیای سادات شریعت‌پناهی است، پس از مهاجرت از سمنان در صحن حرم عبدالعظیم شهری ساکن گردید و با نوشتن ادعیه به دربار راه یافت و بیدادگری‌های حاکم سمنان را به گوش شاه رساند. فتحعلی‌شاه، پس از شنیدن این موضوع، مکتوبی به ذوالفقارخان نگاشت و از او خواست تا باب ظلم به اهالی سمنان را بسته و در آسایش مردمان راه درستی و صواب را در پیش بگیرد تا از ثواب اخروی بهره‌مند گردد؛ اما ذوالفقارخان، نه تنها به نامه‌های شاه مبنی بر دست برداشتن از تعدی و زورگویی توجهی ننمود، بلکه به عملکرد خود همچنان ادامه داد. با توجه به ارتباط نزدیک ذوالفقارخان و فتحعلی شاه، مردم سمنان تا زمان حیات ذوالفقارخان شاهد سکوت پادشاه بودند، اما پس از مرگ حاکم تمامی اموال وی که همگی از بیت‌المال بود، در اختیار حاجی سیدحسن حسنی قرار گرفت تا مسجدی به نام فتحعلی شاه بنا کند و تولیت آن نیز بر عهده او و اولاد ذکور او قرار گیرد. پس از ساخت مسجد در سال ۱۲۴۳ و به

جهت باقی بودن عوایدی که باید صرف عمران و تعمیر و آبادانی مسجد می‌شد؛ موقوفات شیخ علاءالدوله سمنانی عارف قرن هشتم که وقف درویشان در سمنان و روستای صوفی‌آباد بود، به درآمد مسجد سلطانی اختصاص یافت و تا به امروز تولیت موقوفات این بنا به دست اولاد ذکور سیدحسن حسنی است.

## وقفنامه مسجد سلطانی سمنان

بر روی کتیبه سنگی وقف‌نامه مسجد سلطانی سمنان که از سنگ مرمر است و در بالای سر در شرقی مسجد نصب شده، این عبارات نقش بسته است:

«هو الواقف علی الضمائر»

بعد از آنکه به اجرای حکم قاهر و اعطای وجوه و افراز سرکار جهان‌مدار شاهنشاه سپهر دستگاه خسرو دین‌پرور اسلام‌پناه پادشاه اسکندر قرین خدیو صاحبقران قهرمان تاج‌بخش گیتی‌ستان السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان السلطان الاعظم والخابان الاکرم مالک الارقاب و الامم السلطان فتحعلی شاه قاجار خلدالله ملکه الی یوم القرار، این مسجد سعادت بنا الذی اصل علی التقوی سمت اتمام یافت. وقف صحیح موبد فرمود بر مسجد مزبور همگی و تمامی کاروانسرا و بازار مستحدثه واقعه در جنب مسجد و موازی یک هزار و پنج اسیه<sup>۱</sup> میاه اسطخ محلّین اسفنجان و ناسار و معادل دو هزار اسیه میاه اسطخ محله جنبدان و چهارصد چوب میاه محلات کدیور و کوشمغان و زاوغان را. و تولیت را محول و مفوض فرمودند به جناب سیادت و سعادت انتساب مستغنی‌اللقاب قدوه‌العلما و الافاضل مجدالفقها و الاعادل مفخرالسادات العظام خیرالحاج و المعتمرین حاج سیدحسن که هم بر حسب قرار واقف خلدالله ملکه

<sup>۱</sup>اسه: واحد فرعی درجه دوم در تقسیم آب استخرهای اسفنجان، ناسار و جنبدان.

متولی مسجد می‌باشد و هم امام جماعت مسجد مزبور است. و بعد از جناب متولی معظم‌الیه با رشد و اکمل و اتقی و افهم اولاد ذکور و اولاد علی ما توالد او تناسلوا و تناقبا مشروطا علی تقدم بطن الاعلی والعیاذ بالله بعد انقراضهم با علم سادات اقربا، و منافع حاصله را از قراری که در وقفنامه چه مبسوطه ثبت و مندرج است. اولاً بقدر ضرورت به مصرف تعمیر آبادی مسجد و موقوفات مقررہ رسانیده و بعد از تعمیر که مقدم است یک عشر به جهت حق التولیه و نیم عشر به جهت حق النظاره منظور دارد و نیم عشر نیز در ایام عاشورا را صرف تعزیه حضرت سیدالشهدا و خامس آل عبا ابا عبدالله الحسین صلوات الله و سلامه و علی آبائه الطیبین الطاهرین و اولاده المعصومین نمایند و طعام و آش و شربت به حضار و اجزاء مجلس عزا رسانند و از آن پس آنچه باقی ماند صرف روشنایی موقوفات مزبوره و خرج حصیر و برفروبی و دیگر لوازم و مصارف را منظور داشته باشند که کفایت نماید و پس از آن بر امام و موذن و خدام و کارگزاران و مباشرین مهمام امور مسجد علی‌القدر مراتبهم و حد درجاتهم بر حسب زهد و تقوی و صلاح باید متولی تخصیص و تقسیم نموده و همه ساله علی سبیل الاستمرار بدون انقطاع و انفصال برسانند و در زیاد و کم تغییر و تبدیل تخطئه و تصویب نفری خدام و عمله مسجد متولی مزبور مطلقاً مختار و ماذون خواهد بود. وقفاً صریحاً صحیحاً شرعياً اسلامياً لامحرف لهباته و لا مبدل لکلماته و صیغه وقفیه صحیحه شرعیه اسلامیه کما فرر فی شرع الرسول واقع و جاری شد. فمن بدله بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یبد لونه و کان ذلک فی شهر سنه ثلاث و اربعین و ماتین بعد الالف من الهجره المبارکه النبویه المصطفویه علی هاجرها آلاف الثناء و التحیه» [۱۲۴۳] (مخلصی، ۱۳۵۶: ۹۷).

### متولیان مسجد سلطانی سمنان

سلسله متولیان مسجد سلطانی سمنان به ترتیب در بین

فرزندان ذکور و خاندان حاج سیدحسن حسنی عبارتند از:

۱. حاج سیدحسن حسنی سمنانی ۲. حاج سیدابراهیم حسنی سمنانی، فرزند ارشد او ۳. آقا سیدمحسن حسنی سمنانی، فرزند دیگر او ۴. آقا سیدعلی‌اکبر حسنی سمنانی، فرزند سوم ۵. آقا میرزا فتح‌الله حسنی سمنانی (متولی‌باشی)، فرزند آقا سیدمحسن ۶. آقا میرزا مسیح حسنی سمنانی، فرزند آقا سیدعلی‌اکبر ۷. آقا میرزا ابوطالب حسنی سمنانی، فرزند حاجی سیدحسن (بانی مسجد) ۸. سیدکاظم آقا شریعت‌پناهی، فرزند آقا میرزا مسیح ۹. حاج سیدمحمدتقی، فرزند آقا میرزا فرج‌الله ۱۰. محمدعلی شریعتی، فرزند آقا میرزا ابوطالب حسنی. (حقیقت، ۱۳۵۲: ۴۹۰).

### تحلیل اسناد مورد بررسی در این پژوهش

در ابتدا به تحلیلی کلی از اسناد مورد بررسی می‌پردازیم: «قبض الواصل» یا «قبض رسید»، سندی است که به اقرار گرفتن و دریافت چیزی دلالت کند. در فرهنگ فارسی معین، به نوشته‌ای که پس از دریافت پول یا شیء مبنی بر اخذ آن، به آورنده دهند، گفته می‌شود. این قبوض، به طور کلی در گروه‌های تقسیم‌بندی جزئی از اسناد مردمی به شمار می‌رود. اسناد مردمی اسنادی هستند ناشی از دستاوردهای نظام اجتماعی و لازمه زندگی و روابط روزمره بشری (زندیه و احمدیان، ۱۳۹۹: ۱۳۲). به عبارت دیگر، اسناد مردمی بیانگر کنش و واکنش مردم در جوامع پویا هستند. جوامعی که در آنها انواع تعاملات اجتماعی وجود دارد و اسناد مردمی هم‌زمان با حیات این جوامع و تکامل آنها تولید می‌شوند (حسن‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۱). اما در تقسیم‌بندی اسناد، جزو اسناد شرعی محسوب می‌شوند. این گروه از اسناد، اسنادی هستند که بین دو نفر بنا به مقتضیات زمانی خود نگاشته می‌شوند.

قبض‌الواصل یا قبض‌وصول، در کنار سایر اسناد

دهم هجری به این سو و با گسترش روابط دولت صفوی با اروپاییان، بازرگانی میان ایران و مغرب‌زمین افزایش چشمگیر یافت. در این میان به علت افزایش مصرف کاغذ در ایران بخشی از کاغذ مصرفی، از آن سرزمین‌ها تأمین می‌شد (صفری‌آق‌قلعه، ۱۳۹۰: ۶۱). رنگ کاغذهای این اسناد گل‌بهی و نارنجی کم‌رنگ است.

فاصله سطور در اسناد مورد بررسی این پژوهش، در یک مورد با هم مشابهت دارند و آن فاصله سطر اول با سطر دوم است که فاصله بیشتری نسبت به باقی سطور دارند. اما به طور کلی فاصله سطور هر سند با سند دیگر متفاوت است. در برخی از اسناد مورد بررسی، در میان سطور، جزئیاتی مانند مبلغ به صورت خط سیاق نوشته شده است. در هشت سند که در این پژوهش به آنها پرداخته می‌شود، انتهای سطور به سمت بالا کشیده شده است. به طوری که در انتهای خطوط، کلمات بر روی هم سوار شده و هر سطر تمایل به سمت بالا دارد. تعداد سطرهای اسناد مورد بررسی متغیر است. کمترین سطر در این اسناد، پنج سطر و بیشترین آن هفده سطر می‌باشد که نشان‌دهنده موجز بودن این اسناد است. البته تعداد سطور در این اسناد، به نوع خط و درشتی و ریزی خط کاتب بستگی دارد. خط اسناد این پژوهش، با توجه به سطح سواد و مرتبه اجتماعی طرفین به شکل شبه‌نستعلیق، شبه‌شکسته نستعلیق و یا حتی بد نویس نگاشته شده است. این خطوط از نظر زیبایی و کیفیت یکسان نیستند. برخی زیبا و بعضی درهم و ناخوانا نوشته شده‌اند. استفاده از خط شکسته نستعلیق در نوشتن اسناد و بسیاری مقاصد دیگر موجب شد تا منشیان و کاتبان بی‌دلیل چیزهایی به آن بیفزایند و آن را پیچیده کنند که در نهایت برای ساده‌سازی آن تلاش شد. در این زمینه، چند سبک تازه پدیدار شد که معروف‌ترین آن‌ها شکسته تحریری از ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی، حسن‌علی‌خان امیر نظام گروسی و امین‌الدوله بود (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۳).

مردمی، مراودت تجاری بین مردم را نشان می‌دهد و یکی از مهم‌ترین منابع برای بررسی و شناخت روابط انسانی به شمار می‌رود. اسناد مردمی به دلیل اینکه در گذر زمان ایجاد شده‌اند، دارای ارزش و اعتبار ویژه‌ای هستند و به چگونگی برخوردهای انسانی و تحول و رشد و نمو روابط اجتماعی در دوران خود می‌پردازند.

ساختار شکلی اسناد مورد پژوهش مترتب بر بررسی اجزا و مواد تشکیل دهنده آن است. مشخصات ظاهری یک سند شامل نوع و اندازه و شکل کاغذ، خط، رنگ مرکب، اضافات ترکیبی (تحمیدیه، طغرا، توشیح و مهر)، فواصل سطور و اندازه حاشیه‌هاست (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰: ۳۳۳). از لحاظ ظاهری، اسناد قبض رسید را می‌توان به دو قسمت متن و حاشیه تقسیم کرد. قائم‌مقامی در کتاب *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی* درباره متن سند می‌نویسد: «متن یک سند یا اصل سند، شامل شرح مضمون و موضوعی است که علی‌الاصول سند درباره آن نوشته و تنظیم می‌گردد. مانند موضوع اعطای وزارت، واگذاری منصب استیفا و قضاء، فتح‌نامه، وصیت، دادن تیول، سیورغال، اقطاع، مواجب، قبول معافیت و بخشش‌ها، تعیین موقوفات، نکاح و طلاق، اجاره، خرید، فروش و امثال آن‌ها...» (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰: ۱۴۷).

در این قسمت از تحقیق مورد نظر، اجزای متن اسناد یعنی کاغذ، سطور، خط و... (فارغ از نوع کاربرد و اسامی) مورد بررسی قرار می‌گیرند:

اسناد بررسی شده در این پژوهش در اندازه رقیعی (۱۴×۲۱ سانتی‌متر) و کوچکتر از آن نگاشته شده و از نظر خط نوشتاری با هم متفاوتند. اسناد مورد بررسی بر روی کاغذ فرنگی نوشته شده‌اند. کاغذ فرنگی، مطلق کاغذی را گویند که از ممالک اروپا و فرنگ می‌آوردند (افشار، ۱۳۹۰: ۱۰۹). از ویژگی‌های کاغذهای فرنگی آن است که وقتی در معرض نور قرار گیرند، نقوش و خطوطی [واترمارکی] که با ماشین درون آنها تعبیه شده است، مرئی می‌شود (مایل هروی، ۱۳۸۰: ۲۵۷). از سده

اظهارات شهود در قسمت بالایی اسناد و گاه اگر تعداد زیادی از شاهدان نسبت به گواهی متن سند شهادت داده باشند، در اطراف حاشیه سند دیده می‌شود. در اسناد شماره‌های ۵، ۷، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ سجل شهود دیده می‌شود.



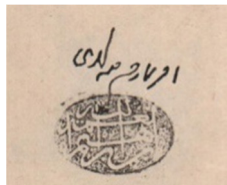
سند شماره ۱۰



سند شماره ۵



سند شماره ۱۲

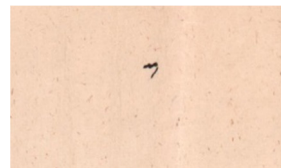


سند شماره ۱۱

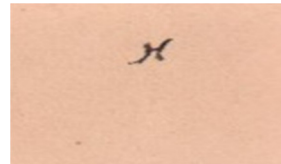


سند شماره ۱۴

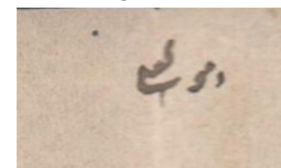
حاشیه اسناد نیز مانند متن، دارای ساختار و اجزایی است که اولین آن تسمیه است. تسمیه در واقع اسماء‌الحسنی است که برای آغاز کتابت در بالاترین قسمت حاشیه نوشته می‌شود و با توجه به حرمت نام خداوند عبارتی بالاتر از آن نمی‌نوشتند. در سه سند مورد بررسی، تسمیه‌های به کار رفته عبارتند از: «هو» سه بار (در اسناد شماره‌های ۱ و ۲) و واژه «هو العلی» (در سند شماره ۱۴).



سند شماره ۱



سند شماره ۲



سند شماره ۱۴

اسناد بدون مهر، فاقد وجاهت و اعتبار بودند و اصولاً مهر، به عنوان وسیله تصدیق و قانونی بودن سند به شمار می‌رفت. از این رو، تمامی اسناد مورد بررسی دارای مهر هستند. مهرها دو جزء اصلی دارند: «عبارت» و «سال ساخت (نقر آن‌ها)» (میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۹۳: ۲۵). ساختار کلی عبارت در سجع مهرهای اسلامی، معمولاً شامل اسم، اسم و شهرت، اسم و اسم نیاکان، القاب جانشین اسم، اسم و لقب، یا مجموعه‌ای از اینها است. پیشوندهای اجتماعی-مذهبی مانند «سید» و «میرزا» و «حاجی» یا پسوندهایی که اهلیت و نسبت شغلی افراد را می‌رسانند نیز، از جمله مصادیق و اجزای عبارت در مهرنویسی اسلامی محسوب می‌شوند (میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۹۳: ۸۴ و ۸۵). به‌طور کلی، نقش هر

خبر (گواهی) مکتوب ممهور یا ممضی را «سجل» (تصدیق) گویند. سند، همانند ترازوی دوکفه‌ای، «متن» و «سجل» دارد. قباله را حداقل یک نفر امضا یا تسجیل می‌کرد (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۷). بنابراین، به هر نوشته و خبری که در حاشیه سند نوشته شده و دارای مهر و امضا باشد، سجل می‌گویند؛ از جمله تأییدی حاکم شرع، اظهارات و مهر شهود، مهر و گواهی منشیان و احیاناً حاشیه‌نویسی (زندیه و احمدیان، ۱۳۹۹: ۱۳۷). گواهی و مهر شهود، از جمله مواردی است که در حاشیه سند دیده می‌شود. گواهی شهود، شهادتی است که بر شاهد مسجل گردیده که امری اتفاق افتاده؛ چه در حضور خود و چه از طریق شنیدن از افراد دیگر. جایگاه اعتراف و



سند شماره ۵

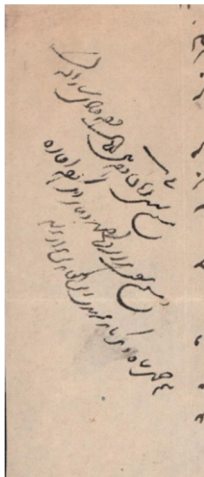


سند شماره ۵

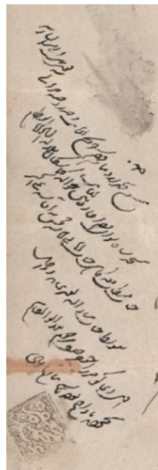


سند شماره ۱۴

برخی از اسناد مورد بررسی دارای متمم یا تکلمه هستند که اغلب در قسمت راست سند و به صورت برعکس در ادامه متن سند نوشته می‌شوند. مضمون تکلمه‌ها کاملاً مرتبط با متن هستند و با عباراتی چون «توضیحاً» یا «توضیح اینکه» شروع می‌شوند و به عباراتی چون «فی التاریخ المتن» یا «فی شهر متن» به پایان می‌رسند. از میان اسناد مورد بررسی در این پژوهش، اسناد شماره‌های ۱۰ و ۱۱ دارای تکلمه هستند.



سند شماره ۱۱



سند شماره ۱۰

مهری نشان‌دهنده طبقه اجتماعی دارنده مهر به شمار می‌رود. مهرهای اشخاص عالی‌مقام، علما و تجار دارای سجعی دلنشین و حاوی دعا و آیات است و خط مهرهای آنان با کیفیت و به خط نستعلیق نوشته شده است. در حالی که مهر افراد عادی جامعه بسیار کوچک، ساده و فاقد جنبه‌های زیبایی‌شناسی است و دارای خطی به مراتب کم‌کیفیت و به دور از ظرایف خوشنویسی است.



سند شماره ۶



سند شماره ۱



سند شماره ۱۴

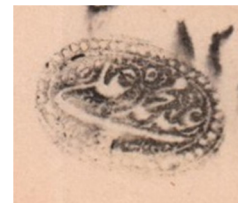


سند شماره ۱۱

در بسیاری از مهرهای اشخاص عالی‌مقام، شاهد نقر تاریخ در لبه پایینی مهر و زیر سجع هستیم. در حالی که در بیشتر مهرهای افراد عادی تاریخی دیده نمی‌شود. شکل مهر هم از مهمترین ویژگی‌های ظاهری آن به شمار می‌رود و در اسناد مورد بررسی این پژوهش، بیضی شکل و فقط در سند شماره ۱۰ به صورت مربع دیده می‌شود و دو سند شماره ۴ و ۹ فاقد مهر است.



سند شماره ۳



سند شماره ۲

بررسی ساختار محتوایی اسناد مورد پژوهش نشان می‌دهد که این اساس جزو اسناد مردمی هستند که در میان تمامی سطوح جامعه رایج بوده است. در طبقه‌بندی

دخل و خرج نظارت داشتند (صفی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۹). حساب سیاق، روشی است در حسابداری قدیمی که تا پایان دوره قاجار، همه امور محاسبات دیوانی و شخصی با آن نوشته می‌شد و مردم عادی خصوصاً کسبه با آن می‌نگاشتند (دهخدا، ۱۳۷۲، جلد ۱). مستشرقانی که روی اعداد و علائم سیاق بررسی‌هایی انجام داده‌اند، در یک موضوع هم‌نظرند و آن اینکه این اشکال و علائم، از قوه ابتکاری شخص به‌خصوصی سرچشمه نمی‌گیرند، بلکه کوتاه شده همان اعداد عربی‌اند (مرادزاده فرد و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۵).

در اسناد این پژوهش، بعد از معرفی طرفین و مشخص شدن مبلغ یا مقدار آب مورد معامله و چگونگی بازپرداخت و نحوه بدهی، فرد مدیون، اقرار و اعتراف خود را مبنی بر قبول تعهد بیان می‌کند و جای آن قبل از ذکر تاریخ تحریر سند است. در تمامی اسناد مورد بررسی، در انتهای سند نوشته شده است: «این چند کلمه بر سبیل الواصل قلمی گردید تا عندالحاجت حجت بوده باشد». در واقع، هدف محرر از نوشتن این بخش از اسناد، این است که حجت را بر مدیون و داین تمام کند تا هر یک از آن‌ها برای اعاده حق خویش، اعم از مهلت بازپرداخت بدهی، اعاده طلب به‌طور تمام و کمال، پرداخت به‌موقع اقساط و ... به این سند تمسک جویند و طبق شرایط مندرج در سند عمل کنند (زندیه، احمدیان، ۱۳۹۹: ۱۵۵).

یکی دیگر از ارکان سند، وجود تاریخ در پایان سند است. در اسناد مورد پژوهش، تاریخ تحریر سند، آخرین جزء متن است. تمام تاریخ‌های اسناد طبق سال‌شمار هجری قمری است و با عبارات «ذالک تحریراً فی...» و «و کان ذلک...» آغاز و سپس نام ماه و بعد سال نوشته شده است. در این اسناد، از واژه «شهر» به جای ماه و از واژه «سنه» به جای سال بهره گرفته‌اند و عدد سال در همه موارد بعد از کلمه سنه نوشته شده است. در برخی از اسناد، تاریخ سال‌ها با سال‌های ترکی آمده و در برخی

اسناد، اجاره‌نامه و ذمه‌نامه و قبض‌الواصل‌ها جزو اسناد خصوصی محسوب می‌شوند. این اسناد، اسنادی هستند که اختصاص به معاملات بین اشخاص حقیقی دارند. (برای نمونه خرید و فروش، وثیقه، طلبکاری، بخشش، تحویل کالا و ...) (گرونکه، ۱۹۸۴: ۷۴).

در اسناد بررسی شده القاب و عناوینی که برای متولی به کار رفته است، عبارتند از: عالیجناب فضایل‌مآب، قدسی‌انتساب، جناب آقائی، جناب فضایل و معارف اکتساب، قدوسی نصاب، غلام فهام، شامخ‌اللقاب، سلاله‌السادات العظام و النجاء‌الکرام، اشرف‌السادات، فخرالعلماء، آقای اجل اعظم و در مقابل برای افراد دیگر پسوند شغل آن‌ها به کار رفته است، مانند: سیدمحمد روضه‌خوان، ملاحسین مؤذن، ملارضا چراغچی، محمدابراهیم خادم، میرزا جعفر سلطان‌ذاکرین.

بعضی از صفات و عناوینی که بعد از نام متولی آمده است نیز، عبارتند از: زید عمره‌العالی، سلمه‌الله تعالی، زید فضله و دام عزه و زید کله‌العالی.

ذکر مبلغ و مقدار و اندازه آنچه که بین متولی و افراد تفاهم گردیده، یکی از ارکان اصلی اسناد مورد بررسی است، که در تمامی این اسناد وجود دارد. در واقع، ماهیت وجودی این اسناد برای وجود این رکن مهم شکل می‌گیرد؛ تا طرفین بتوانند در زمان لازم برای ادعای طلب خود به آن ادله حقوقی و قانونی نمایند. در برخی از اسناد مورد بررسی، میزان مبلغ مشخص در سند به صورت سیاق در بالای مبلغ ذکر شده در سند، نوشته شده تا کسی نتواند در میزان مبلغ خدشه‌ای وارد کند. سیاق، شیوه‌ای است از عددنویسی رمزگونه برای ثبت ارقام نقدی (پول) و جنسی (اوزان کالا) که در گذشته در پهنه کشور ایران و سرزمین‌های پیرامون آن متداول بوده است و اشخاص، کسبه، تجار، مؤسسه‌ها و مأموران دیوان‌های محاسبه تمامی درآمدها و هزینه‌های جاری جامعه را با این ارقام ثبت و ضبط می‌کردند. ممیزان و حساب‌رسان، زیر نظر مستوفیان بر این

دیگر نیز ماه‌های قمری با صفات خود نوشته شده است؛ مانند: رمضان المبارک، شوال المکرم و ... .

خوانش اسناد مورد بررسی در این پژوهش

سند شماره ۲:	سند شماره ۱ (به ترتیب تاریخ):
<p>۱/ هو                  ۲/ مبلغ چهار تومان و هشت هزار وجه رایج سلطانی<sup>۳</sup> /                  از بابت وجه اجاره میاه اسفنجان و ناسار و کوشمغان به موجب                  تفصیل<sup>۴</sup> از بابت موجب مسجد جدیدالبناء فی میزان هذه                  اسنه سیچقان نیل<sup>۵</sup> / الی میزان آتیه به توسط عالیجناب                  فضایل مآب قدوسی انتساب آقا سیدعلی اکبر الحسنی<sup>۶</sup> /                  سلمه اله تعالی واصل و عاید اینجناب میرزا محمدعای مشرف                  / مسجد جدیدالبنای سلطانی گردیده که میاه مذکور را<sup>۸</sup> /                  شرب نماید. در مدت مسطوره و وجه آن را از بابت موجب<sup>۹</sup> /                  محسوب نماید و این چند کلمه بر سیل یادداشت قلمی شد                  / و کان ذلک فی شهر رمضان سنه ۱۲۹۳.                  [مهر]: (عبده محمدعلی).</p>	<p>۱/ هو                  ۲/ مبلغ سیزده تومان وجه رایج سلطانی از بابت وجه اجاره ده                  چوب میاه کدیور<sup>۳</sup> / و بیست سه میاه اسفنجان و ناسار در                  هذه السنه سیچقان نیل خیریت دلیل مطابق<sup>۴</sup> / میزان سنه                  ۱۲۹۳ از بابت مسجد [جد] اید البناء سلطانی از عالیجناب                  فضایل مآب و قدوسی انتساب<sup>۵</sup> / جناب آقائی آقا سید علی اکبر                  زیده عمره العالی بر ذمه و رقبه کمترین دعاگوی<sup>۶</sup> / دوام دولت                  ابد مدت سیدمحمد روضه خوان دین است که در ایام<sup>۷</sup> / سال                  در مسجد مذکور مشغول تعزیه داری شود و ثواب آن را به                  روح واقف<sup>۸</sup> / نماید. لازم چنانکه مشغول تعزیه داری نباشد                  وجه مذکور را<sup>۹</sup> / در دو قسط محرم و میزان آتیه مهم سازی                  نماید تا واضح بوده باشد<sup>۱۰</sup> / فی شهر رمضان المبارک ۱۲۹۳ .                  [مهر]: (محمد الموسوی ۱۲۷۰)</p>

سند شماره ۴:	سند شماره ۳:
<p>۱/ مجری سه دانگ و نصف از میاه اصطرخ محله زاوقان <sup>۲</sup> به توسط عالیجناب فضایل مآب قدسی انتساب شامخ الالقاب <sup>۳</sup> غلام فهام جناب آقائی آقا سیدعلی اکبر <sup>۴</sup> زیدفضله و دام عزه از بابت حق الوعظ <sup>۵</sup> شهر الصیام هذه السنه توشقان نیل عثمانه [اعانه] <sup>۶</sup> و التفات فرمودند. خداوند عالم بر عزت <sup>۷</sup> ایشان بیفزاید و مرحوم مغفور آقا <sup>۸</sup> طاب رحمه و خلدآشیان بانی را به اعلا <sup>۹</sup> عزت جنان و روضه رضوان جای <sup>۱۰</sup> بدهد. فی شهر شوال المکرم ۱۲۹۶</p>	<p>۱/ مبلغ سیزده تومان وجه رایج سلطانی از بابت وجه اجاره مجری ده چوب میاه <sup>۲</sup> ایامیه اصطلخین محله کدیور و کوشمغان و مجری بیست سه میاه ایامیه اصطخ محلی اسفنجان <sup>۳</sup> و ناسار کما یقاسم بین الارباب والشركاء در وجه روضه خوانی آقا سیدمحمد روضه خوان <sup>۴</sup> مسجد خاقانی به توسط جناب فضایل و معارف اکتساب قدسی انتساب قدوسی نسب <sup>۵</sup> غلام فهام آقائی آقا سیدعلی اکبر سلمه اله تعالی در معامله هذه السنه پارس نیل یک ساله <sup>۶</sup> خیریت تحویل، واصل و عاید گماشتگان آقا سیدمحمد روضه خوان گردید تا واضح باشد <sup>۷</sup> این چند کلمه بر سبیل الواصل قلمی گردید تا عندالحاجت حجت بوده باشد. <sup>۸</sup> و کان ذلك فی بیست و پنجم شهر رمضان المبارک <sup>۹</sup> من شهر در سنه خمس و تسعین و مائه بعد الالف ۱۲۹۵. [مهرا]: (عبده حسین الموسوی ۱۲۸۲).</p>

سند شماره ۶:	سند شماره ۵:
<p>۱/ مجری بیست اسه میاه اصطلاح محله جنبدان از بابت موقوفه مسجد جدیدالبناء سلطانی /<sup>۲</sup> از بابت مستمری هذه السنه توشقان نیل به توسط عالیجناب فضایل ماب غلام فهام فخرالعلماء و /<sup>۳</sup> المحققین و قدوة الفضلاء و المدققین سلالة السادات العظام و النجباء آقای /<sup>۴</sup> آقا سیدعلی اکبر الحسنی زید کله‌عالی واصل و عاید این دعاگویان و الطلاب گردید.</p> <p>۵/ و کان ذلک فی غره شوال المکرم سنه ۱۲۹۷.</p> <p>[مهر]: (محمد ابن نادعلی).</p>	<p>۱/ به اجاره و مصالحه شرعیه عالی حضرت ملاحسین موذن مسجد جدیدالبناء /<sup>۲</sup> از عالیجناب قدسی انتساب سلالة السادات العظام و النجباء الکرام /<sup>۳</sup> اشرف السادات آقائی جناب آقا سیدعلی اکبر الحسنی تمامی و همگی /<sup>۴</sup> مجری المیاه پانزده اسه میاه اصطلاح محلتین اسفنجان و ناسار و پنج چوب /<sup>۵</sup> میاه اصطلاح محله کدیور را از ابتدای میزان سنه توشقان نیل /<sup>۶</sup> الی میزان سنه آتیه.</p> <p>دانسته و فهمیده مبلغ هفت تومان دو هزار و پانصد /<sup>۷</sup> دینار رایج مقرر و مشروط آنکه مستاجر مذکور میاه مزبور را به تصرف /<sup>۸</sup> خود درآورده و وجه مال الاجاره را در دو قسط یک قسط در محرم /<sup>۹</sup> و یک قسط در میزان به عوض مواجب موذنی خود محسوب داشته /<sup>۱۰</sup> تا واضح بوده باشد؛ و این چند کلمه بر سبیل اجاره‌نامه‌چه قلمی گردید.</p> <p>و کان ذالک /<sup>۱۱</sup> فی شهر شوال المکرم سنه ۱۲۹۶.</p> <p>[مهر]: (عبده محمدحسین)</p> <p>[سجلات]:</p> <p>اقر بما رقم فيه لدى.</p> <p>[مهر]: (نعمه‌الله ابراهیم).</p>

سند شماره ۸:

مجرى سه دانگ [و] نیم میاه اصطرخ محله زاوغان /  
بیتو عالیجناب فضایل ماب قدوسی القاب قدوسی انتساب /  
حقایق و معارف اکتساب نتیجه الاطیاب /  
والانجباب سلاله السادات العظام والنجباء /  
الکرام جناب مستطاب آقای /  
اجل اعظم / آقا سید علی اکبر زید فضلہ از بابت انعام /  
والتفات حق الوعظ شهر الصیام سنہ /  
١٢٩٨ میلان و عاید /  
دعاى دعاگوی قدیمی شد.

۱/ مجری سه دانگ [و] نیم میاه اصطرخ محله زاوغان /  
توسط عالیجناب فضایل ماب قدوسی القاب قدوسی انتساب /  
حقایق و معارف اکتساب نتیجه الاطیاب /  
ساله السادات العظام والنجباء /  
الکرام جناب مستطاب آقای /  
اجل اعظم / آقا سید علی اکبر زید فضلہ از بابت انعام /  
والتفات حق الوعظ شهر الصیام سنہ /  
١٢٩٨ میلان و عاید /  
دعاى دعاگوی قدیمی شد.

و کان / ١٣/ ذلک فی تاریخ الفوق ١٢٩٨.

[مهر]: (لاله الاالله الملك حق المبین عبده محمدحسین)

سند شماره ۷:

مبلغ چهار تومان پنج هزار رایج از بابت دو چوب میاه /  
کدیور و دو چوب میاه /  
کوشمقان و باقیمانده نیم اسه میاه /  
زاوغان پنج هزار از بابت موجب مسجد /  
جدید بنای /  
سلطانی در هذه السنه لوی ئیل خیریت دلیل سنه /  
١٢٩٧ /  
به /  
توسط گماشتگان جناب آقائی آقا سید علی اکبر سلمه اله لعالی /  
واصل و عاید /  
اقل دعاگویان ملارضا چراغچی گردید.

۱/ مبلغ چهار تومان پنج هزار رایج از بابت دو چوب میاه /  
کدیور و دو چوب میاه /  
کوشمقان و باقیمانده نیم اسه میاه /  
زاوغان پنج هزار از بابت موجب مسجد /  
جدید بنای /  
سلطانی در هذه السنه لوی ئیل خیریت دلیل سنه /  
١٢٩٧ /  
به /  
توسط گماشتگان جناب آقائی آقا سید علی اکبر سلمه اله لعالی /  
واصل و عاید /  
اقل دعاگویان ملارضا چراغچی گردید.

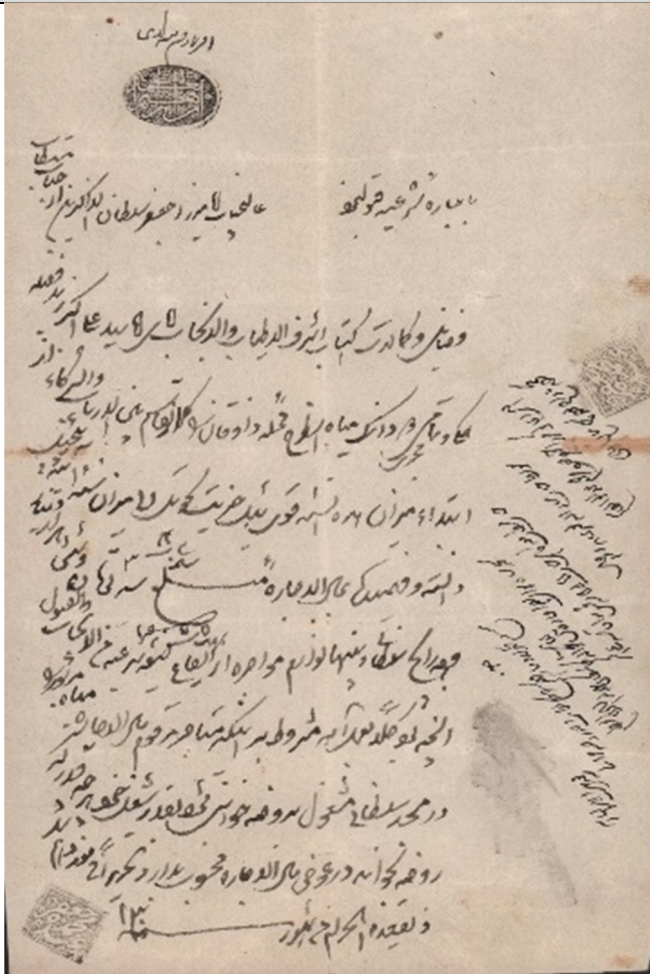
[مهر]: (گل گلستان محمد رضا)

[اسجلات]:

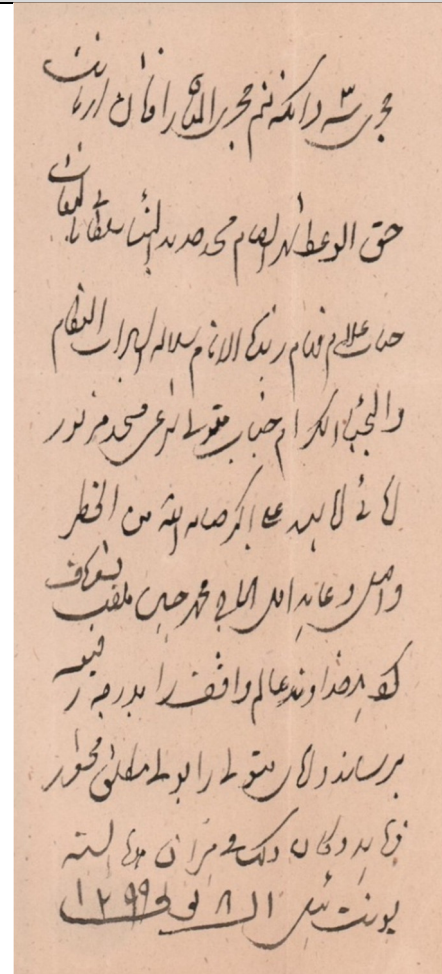
قد اعرف بما رقم فيه لى.

[مهر]: (نعمه الله ابراهيم).

سند شماره ۱۰:



سند شماره ۹:



۱/ به اجاره شرعی قبول نمود عالیجناب آقا میرزا جعفر سلطان الذاکرین از جناب مستطاب ۲/ فضایل و کمالات اکتساب اشرف الاطیاب و الانجاب آقای آقا سیدعلی اکبر زید فضلہ ۳/ همگی و تمامی دو دانگ میاه اسطرخ محله ذاقان را کما یقاسم بین الارباب و الشركاء از ۴/ ابتداء میزان هذه السنه قوی ثیل خیریت تحویل الی میزان سنه آتیہ بیچی ثیل ۵/ دانسته و فهمیده به مال الاجاره مبلغ سه تومان و شش هزار دینار ۶/ وجه رایج سلطانی و بینهما لوازم مواجره از ایقاع صیغه شرعیه من الحساب و القبول ۷/ آنچه بود کلاً به عمل آمد. مشروط بر اینکه مستاجر مرقوم مال الاجاره میاه مزبور را ۸/ در مسجد سلطانی مشغول به روضه خوانی شود. به قدر شغل خود هرچه قدر که ۹/ روضه بخواند در عوض مال الاجاره محسوب بدارد.

تحریراً فی نوزدهم شهر ۱۰/ ذیقعه الحرام فی شهر سنه ۱۳۰۰.

[مهر: عبده محمد جعفر].

۱/ مجری سه دانگه [و] نیم مجری المیاه زاوغان از بابت ۲/ حق الوعظ شهر صیام مسجد جدیدالبناء سلطانی به التفات ۳/ جناب غلام فهام زیده الانام سلاله السادات العظام ۴/ و النجباء الکرام جناب متولی شرعی مسجد مزبور ۵/ آقای آقا سیدعلی اکبر صائمه الله من الخطر ۶/ واصل و عاید اقل الحاج محمدحسین ملقب به شعریاف ۷/ گردید.

خداوند عالم واقف را به درجه رفیع ۸/ برساند و آقای متولی را به ولی مطلق محشور ۹/ فرماید.

و کان ذلک فی میزان هذه السنه ۱۰/ یونت ثیل سنه ۱۲۹۹.

حاشیه:

[دو خط نوشته پاک شده است] مبلغ پنج هزار دینار وجه رایج از بابت وجه روضه خوانی قوی نیل الی میزان آتیه/ مسجد شاه سوای وجه اعاده دین از بابت حواله گماشتگان سلاله السادات العظام/ جناب مستطاب سرکاری جناب آقائی آقا سید محسن و آقا سید علی اکبر/ به توسط جناب مشارالیه وجه عاید و واصل/ اقل دعاگو میرزا جعفر خلف مرحوم سید ابوالقاسم گردید تا واضح بوده باشد. به تاریخ متن.

[مهر]: (عبده محمد جعفر).

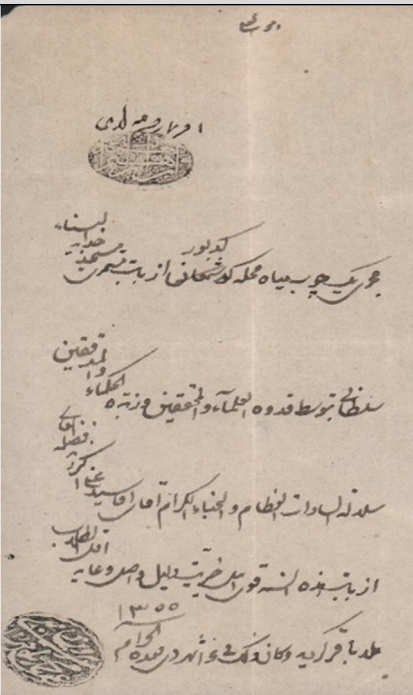
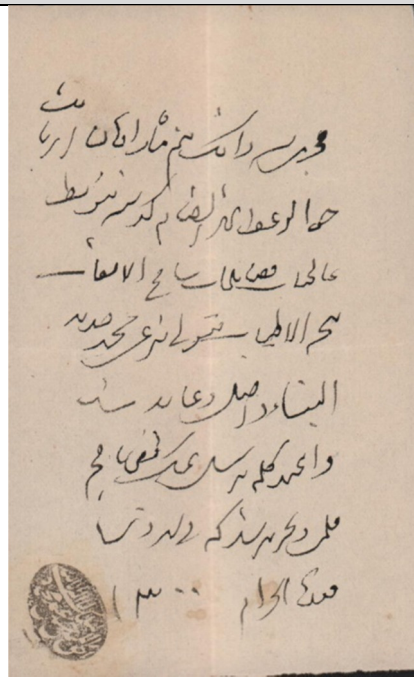
[سجلات]:

اقر بما رقم فيه لدی.

[مهر]: (نعمه الله ابراهیم).

سند شماره ۱۲:	سند شماره ۱۱:
	
<p>۱/ به اجاره مشروعه قبول نمود جناب فضایل مآب آخوند ملاحسین مقدس از جناب مستطاب / فضایل و معارف اکتساب زبده العلاما و عمده العرفا سلاله دودمان نبوی / و فروغ خاندان مرتضوی آقائی آقا سیدعلی اکبر الحسنی زیدفضله العالی / تمامی و همگی مجری یک اسه و نیم میاه که عبارت از شش دانگه میاه زاوقان /<sup>۵</sup> باشد کما یقاسم بین الارباب و الشركاء از ابتدای میزان هذه السنه /<sup>۶</sup> قوی ئیل سنه ۱۳۰۰ لغایت یکسال کامل شمسی دانسته و فهمیده به مال الاجاره /<sup>۷</sup> مبلغ ده تومان و هشت هزار دینار رایج المعامله سلطانی /<sup>۸</sup> و بینهما لوازم مواجره آنچه بود کلاً به عمل آمد. مقرر و مشروط اینک /<sup>۹</sup> جناب مستاجر مذکور در ظرف مدت مسطوره میاه مزبور را /<sup>۱۰</sup> به شرب زراعات خود برده مال الاجاره یک دانگه از میاه را /<sup>۱۱</sup> از بابت و وظیفه مدرسه صادقیه محسوب بدارد و مال الاجاره /<sup>۱۲</sup> پنج دانگه دیگر را مادامی که در مسجد جدیدالبناء سلطانی /<sup>۱۳</sup> مشغول به عبادت است معادل آن از مال الاجاره از بابت و وظیفه /<sup>۱۴</sup> خود محسوب بدارد و هر زمانی که در مدت مسطوره از این عمل /<sup>۱۵</sup> باز ماند به قدر آن مال الاجاره را به گماشتگان جناب</p>	<p>۱/ مبلغ شش تومان و هفت هزار و پانصد دینار وجه رایج المعامله /<sup>۲</sup> سلطانی از بابت وجه اجاره چهار چوب نیم میاه کدیور /<sup>۳</sup> میزان هذه السنه قوی ئیل لغایت میزان سنه آتی /<sup>۴</sup> در وجه خادمی مسجد جدیدالبناء خاقانی به توسط /<sup>۵</sup> جناب مستطاب قدوسی انتساب آقائی آقا سیدعلی اکبر /<sup>۶</sup> سلمه الله واصل و عاید اینجناب محمدابراهیم خادم مسجد /<sup>۷</sup> مزبور گردیده. چنانچه در بین سال مانعی در خدمت به هم /<sup>۸</sup> برسد مبلغ مذکور را بقدرالخدمت محسوب نموده بقیه را /<sup>۹</sup> به گماشتگان جناب مومر معظم الیه رد نمایند تا واضح /<sup>۱۰</sup> بوده باشد فی پانزدهم ذی قعدہ الحرام سنه ۱۳۰۰. [مهر]: (سلام علی ابراهیم) / مبلغ شش تومان وجه دین از بابت وجه خادمی مشارالیه است / و مبلغ هفت هزار و پانصد دینار دیگر وجه اجاره / نیم چوب میاه دیگر باید هر سری الی الکامل بدین قرار برسد. [سجلات]: اقر بما رقم فیہ لدی [مهر]: (ابراهیم نعمه الله)</p>

<p>موجر معظم البیه /<sup>۱۶</sup> به پردازد. این چند کلمه بر سبیل اجاره نامچه قلمی گردید تا واضح /<sup>۱۷</sup> بوده باشد و ذا [فی] شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۳۰۰. [مهر]: (قال محمد نبی ... [سلام بر] حسین [..] ۶۲). [سجلات]: اعترف بما فيه لدى الحرره / محمد حسین مداح [مهر]: (طی بالله؟ حسین)</p>	
---	--

سند شماره ۱۴:	سند شماره ۱۳:
	

<p><sup>۱</sup> هو العلی <sup>۲</sup> مجری سه دانگ [و] نیم میاه زاوغان از بابت حق الوعظ شهر صیام گذشته به توسط <sup>۳</sup> عالیجناب فضایل ماب مشایخ الاقطاب <sup>۴</sup> نتیجه الاطیاب متولی شرعی مسجد جدید <sup>۵</sup> البناء واصل و عاید شد. <sup>۶</sup> و این چند کلمه بر سبیل تمسک قبض نامچه / قلمی و تحریر شد که فی شهر ذی <sup>۸</sup> قعدة الحرام ۱۳۰۰. [مهر]: (پیرو دین نبی عبده محمد باقر ۱۲۸۷) [سجلات]: اقر بما رقم فيه لدى [مهر]: (ابراهیم نعمة الله)</p>	<p><sup>۱</sup> مجری سه دانگ [و] نیم میاه زاوغان از بابت <sup>۲</sup> حق الوعظ شهر صیام گذشته به توسط <sup>۳</sup> عالیجناب فضایل ماب مشایخ الاقطاب <sup>۴</sup> نتیجه الاطیاب متولی شرعی مسجد جدید <sup>۵</sup> البناء واصل و عاید شد. <sup>۶</sup> و این چند کلمه بر سبیل تمسک قبض نامچه / قلمی و تحریر شد که فی شهر ذی <sup>۸</sup> قعدة الحرام ۱۳۰۰. [مهر]: (لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده محمد حسین)</p>
---	--



## نتیجه‌گیری

مردم شهر تاریخی سمنان، با توجه به اقلیم کم آب خود روشی را ابداع کردند که امکان ثبت شواهد کالبدی و فرهنگی در خورتوجهی را برای درک برخی مبانی توسعه شهری، عدالت در توزیع آب، نظام مردم نهاد و سنتی با درک عمیق محدودیت‌های محیطی و مداخله هوشمندانه انسانی که موجبات سازگاری انسان و محیط را داشت، فراهم کردند. این ابداع، علاوه بر تأثیر در چهره شهر، که در جهت ۶ استخر اصلی آب توسعه و رشد یافت، در چهره فرهنگی مردم نیز به شدت تغییرات ایجاد کرد. خوانش اسناد به جا مانده از دوران قاجار که گویای تقسیم آب در ازای انجام اعمال مذهبی و نیکو یا به عنوان مهریه تازه عروسان و بانوان جوان این پهنه جغرافیایی است، گویای این مسئله است. با خوانش این اسناد که جزء اسناد دست اول و دیوانی دوران قاجار هستند، به این نتیجه می‌توان رسید که شیوه آبیاری استخری امروز سمنان، یکی از پربارترین و پیچیده‌ترین نظام‌های آبیاری سنتی در ایران است که از قوانین عرفی و محلی پیروی می‌کند و بر جنبه‌های زیادی سایه افکنده و بسیار منحصر به فرد و خاص است. به همین جهت، اوراق و اسناد دیوانی مهمی از چگونگی تقسیمات و جزییات آن بجا مانده، که در این منابع به وفور می‌توان گزارش دقیق و کامل و جامعی از قوانین حاکم بر سیستم آبرسانی و فرهنگ استفاده و جیره‌بندی آن و در نهایت تشویقات ناشی از امور حسنه، مانند اقامه نماز و مجلس وعظ و ازدواج و... را یافت که تا به حال، به دلیل در دسترس نبودن این اسناد کمتر به آن توجه شده است.

در این اسناد، جمله‌بندی و علائم ویرایشی به معنی امروزی آن وجود ندارد و متون به صورت پیوسته نگاشته شده است. با خوانش اسناد مورد پژوهش، مشخص گردید که اسناد قبض‌الواصل، هر چند ساختار خود را دارند، اما اسنادی نسبتاً ساده هستند که بنا به نیاز

طرفین و به دور از قواعد ویژه دوره قاجار، بین دو نفر نوشته شده و ادبیات به‌کار رفته در این اسناد کاملاً ساده و سنتی است. این اسناد، جزء اسناد شرعی محسوب شده و برخی از مفاهیم به‌کار رفته در این اسناد با امور فقهی و حقوقی ارتباط دارد.

## منابع

- آل‌هاشمی، آیدا (۱۳۹۹)، «پیوند زیرساخت‌های آبی سنتی و نظام محل‌های در شهرهای ایران ساختار شهری و زیرساخت آبی در شهر سمنان»، *مجله هنر و تمدن شرق*، سال ۸ (۲۷)، صص ۱۴-۵.
- احمد پناهی سمنانی، محمد (۱۳۸۱)، *شیوه سنتی تقسیم آب در سمنان*، تهران: سمیرا.
- احمد پناهی سمنانی، محمد (۱۳۸۳)، *آداب و رسوم مردم سمنان*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افشار، ایرج (۱۳۹۰)، *کاغذ در زندگی و فرهنگ ایرانی*، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- انصاف‌پور، غلامرضا، (۱۳۵۲)، *تاریخ زندگی اقتصادی روستاییان و طبقات اجتماعی ایران*، چاپ اول، انتشارات اندیشه.
- مرادی‌نسب، حسین و دربانیان، رضا (۲۰۱۳)، «بناهای پایدار در ایران (از مقیاس شهر تا معماری) با معرفی «پارا» منحصر به فردترین شیوه مهندسی تقسیم آب سنتی (سمنان)»، *کنفرانس بین‌المللی مهندسی عمران معماری و توسعه پایدار شهری*، ۱۸ و ۱۹ دسامبر، تبریز: ایران.
- پاپلی یزدی محمدحسین، لباف خانیکی مجید (۱۳۷۷)، «واحد‌های تقسیم آب در نظام آبیاری سنتی (فنجان)»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۵۰-۴۹، صص ۷۳-۴۷.
- حسن آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۳)، «اهمیت اسناد مردمی در حفظ هویت تاریخی جامعه»، *روزنامه جام‌جم*،

خرداد ماه.

حسینی، حمیدرضا (۱۳۷۶)، «آب مایه حیات در استان سمنان»، پژوهش‌های مردم‌شناسی، سازمان میراث فرهنگی کشور، مدیریت میراث فرهنگی استان سمنان. حقیقت، عبدالرفیع، (۱۳۵۲)، *تاریخ سمنان*، سمنان: فرمانداری کل سمنان.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه، جلد ۱ و جلد ۲*، تهران: دانشگاه تهران.

رضایی، امید (۱۳۹۰)، *درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

زندیه، حسن؛ احمدیان، زهره (۱۳۹۹)، «ساختارشناسی ذمه‌نامه‌های دوره قاجار»، *گنجینه اسناد*، دفتر ۳، پاییز. شاردن، ژان (۱۳۴۹)، *سفرنامه شاردن*، ترجمه عباسی، م، تهران: انتشارات امیرکبیر.

شکوهی، فرهنگ (۱۳۹۱)، *سمنان بر تارک روزگاران* (مجموعه مقالات)، سمنان: حبله‌رود.

صفری آق‌قلعه، علی، (۱۳۹۰)، *نسخه‌شناسی (پژوهشنامه نسخه‌شناسی نسخ خطی فارسی)*، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

صفی‌نژاد، جواد (۱۳۵۹)، *نظام‌های آبیاری سنتی در ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ضیاءالدین، محمدهادی (۱۳۵۶)، «آبیاری سنتی در سمنان»، پایان‌نامه لیسانس، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی.

طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۶)، *تاریخ بلعمی*، ترجمه

ابوعلی بلعمی، تصحیح ملک‌الشعراى بهار و محمد پروین گنابادی.

تهران: هرمس. قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰)، *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.

گردیزی، ابوسعید عبدالحی‌الضحاک (۱۳۴۷)، *زین‌الاکهار*، به کوشش عبدالحی حبیبی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

گرونکه، مونیکا (۱۹۸۴)، «نگارش اسناد خصوصی در جهان اسلام در سده‌های میانه: نظریه و عمل»، (محسن ایمانی، مترجم) وقف، *میراث جاویدان*، سال شانزدهم، شماره ۶۲، (۱۳۸۷).

مایل هروی، نجیب (۱۳۸۰)، *تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی*، تهران: بهارستان، کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی.

مخلصی، محمدعلی (۱۳۵۶)، *آثار تاریخی سمنان*، بی‌نام، بی‌جا.

مرادزاده فرد، مهدی، روستایی، محسن و سروش، امیر (۱۳۹۰)، «سیاق دروازه حسابداری نوین»، *فصلنامه گنجینه اسناد*، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۸۳، صص ۲۳-۴۱.

میرزا ابوالقاسمی، محمدصادق (۱۳۹۳)، *آداب مهنر نویسی در دوره اسلامی (از ایلخانان تا پایان دوره قاجاریه)*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.